

## شکل‌گیری نهادهای بنیادین در جمهوری اسلامی: رویارویی خشن سه نیروی غیر مذهبی بانیروی مذهبی دکتر غلامرضا خواجه سروی\*

### چکیده

شرح و بررسی حوادث و رویدادهای روزهای آغازین انقلاب اسلامی در زمینه‌ی آراء و نظرات گروههای مختلف سیاسی فعال در خصوص نوع حکومت، قانون اساسی و مجلس خبرگان که بایستی در کشور برقرار می‌شد. تبیین دیدگاههای افراد و شخصیت‌های سیاسی کشور در حوزه‌ی مسائل فوق، و همچنین شرح مختصری از اغتشاشات، در مناطق مختلف کشور که پس از مسائل فوق بروز نمود.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، حکومت، نیروهای سیاسی، جمهوری اسلامی، قانون اساسی، مجلس خبرگان، دولت موقت.

پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، حذف نیروی سلطنت طلب را از صحنه‌ی سیاست و حکومت ایران موجب گردید. در عین حال حوزه‌ی عمل چهار نیروی سیاسی؛ مذهبی، لیبرال، سوسیالیست و التقاطی را وسعت داد، بطوریکه که این نیروها توانستند با آزادی کامل منویات خود را ابراز و برای دستیابی به آرمان‌های خود تلاش نمایند. هریک از این نیروها توانمندی خود را در جهات مختلف بکار گرفتند تا به اهداف خود دست یابند.

راهبرد رهبر فقید انقلاب اسلامی، شکل دهی حکومت اسلامی به جای حکومت ساقط شده‌ی سلطنتی در ایران در کمترین زمان ممکن و با استفاده‌ی بهینه از امکانات موجود بود و با حمایت و رهبری ایشان نظام جمهوری اسلامی در فاصله‌ای کوتاه، نهادهای اصلی خود را شکل داد. در جریان این شکل‌گیری، نیروهای سیاسی با یکدیگر به تعامل پرداختند. در نوشتار حاضر این تعامل را در پرتوی ساخته شدن نظام، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### الف - تعیین نوع نظام

نخستین مقوله‌ای که گام اول در دستیابی به قدرت سیاسی در آینده به حساب می‌آمد، تعیین نوع نظام سیاسی جدید بود. گرچه در شعارهای مردمی تظاهرات‌های روزهای آخرین حیات رژیم شاه، که مقارن تحولات عملیاتی نهضت اسلامی بود، شعار «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی و بعداً جمهوری اسلامی»، اکثریت داشت<sup>۱</sup> و قاعدتاً می‌بایست بی‌نیاز از چون و چرای بعدی بلافاصله پس از سقوط رژیم شاه، جمهوری اسلامی اعلام گردد؛ اما در عین حال

۱. برای آگاهی بیشتر از چنین اکثریتی مراجعه شود به: فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

اکثریت برای بار دوم به تعیین نوع نظام از راه همه پرسی رضایت داد. این به خودی خود راهی را برای تلاش گسترده‌ی نیروهای سیاسی باز کرد. در وهله‌ی اول پیشنهادات مختلفی مطرح گردید. تقریباً تمام نیروهای سیاسی چهارگانه با نفی حکومت سلطنتی و روی کار آمدن حکومتی در شکل جمهوری موافق بودند (به استثنای معدود سلطنت طلبانی که در جامعه جایی نداشتند) و در عین حال در مورد نوع این جمهوری با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. گروهی به نام نهضت رادیکال (انشعابی از جبهه‌ی ملی) در آستانه‌ی تشکیل کنگره‌ی خود، تشکیل حکومت جمهوری (صرفاً) را خواستار شد.<sup>۱</sup> نظر دوم تشکیل جمهوری دموکراتیک ایران بود<sup>۲</sup> که از سوی کانون نویسندگان<sup>۳</sup>، حزب ناسیونال<sup>۴</sup> دموکرات ایران و احزاب<sup>۵</sup> گرد بیان گردید. نظر سوم که تشکیل جمهوری دموکراتیک اسلامی را لازم می‌دانست متعلق به نهضت آزادی بود.<sup>۶</sup> چهارمین نظر، خواهان تشکیل جمهوری خلق یا جمهوری فدراتیو خلق‌های ایران بود. این دیدگاه عمده‌ی متعلق به گروه‌های چپ‌گرای<sup>۷</sup> بود که در آن مقطع زمانی معتقد به پنهانکاری نبودند.<sup>۸</sup> در عین حال بودند گروه‌های چپ‌گرای

۱. مراجعه شود:

- الف - اطلاعات، ش ۱۵۸۰۲، ۱۳۵۷/۱۲/۱۶، ص ۸  
 ب - عباسعلی عمید زنجانی، مباحث فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران، جهاد دانشگاهی، بی تا)، ص ۱۳۰.  
 ۲. عمید زنجانی، همان، ص ۱۰۳.  
 ۳. اطلاعات، ش ۱۵۷۹۷، ۱۳۵۷/۱۲/۱۰، ص ۸.  
 ۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۱، ۱۳۵۷/۱۲/۲۷، ص ۸.  
 ۵. اطلاعات، ش ۱۵۷۹۸، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۵.  
 ۶. عمید زنجانی، همان، ص ۱۰۴.  
 ۷. سیدجلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، کلیات و مقدمات، (تهران، سروش، ۱۳۶۲)، ج ۱، ص ۴۸.  
 ۸. برای آگاهی از نمونه‌ای از چنین مواضعی مراجعه شود به:  
 الف - اطلاعات، ش ۱۵۸۰۷، ۱۳۵۷/۱۲/۲۲، ص ۸.  
 ب - اطلاعات، ش ۱۵۸۱۵، ۱۳۵۸/۱۷، ص ۸.

مانند حزب کمونیست ایران<sup>۱</sup> و حزب توده<sup>۲</sup> که اتفاقاً از پیشنهاد «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد» امام خمینی (ره) پشتیبانی کردند. به علاوه افرادی بطور منفرد خواهان تشکیل «حکومت جمهوری ملی اسلامی ایران»<sup>۳</sup> و «جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی»<sup>۴</sup> شدند. پنجمین دیدگاه که از یک نظریه‌ی سیاسی افراطی مذهبی پیروی می‌کرد، مدعی بود که هیچ حکومتی نه جمهوری و نه شکل دیگر به جز حکومت امام معصوم (ع) نمی‌تواند اسلامی باشد و نباید حکومتی اسلامی در زمان غیبت امام زمان (عج) تشکیل گردد.<sup>۵</sup>

ششمین دیدگاه به پیروی از نظریه‌ی حکومت اسلامی در عصر غیبت (مطرح شده بطور رسمی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در کتاب حکومت اسلامی، ولایت فقیه)<sup>۶</sup> و به نمایندگی از نیروی مذهبی که اکثریت داشت؛ «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد» را مطرح کرد:<sup>۷</sup>

«آن چیزی که ملت ما می‌خواهد جمهوری اسلامی است... نه جمهوری فقط، جمهوری دموکراتیک، نه جمهوری دموکراتیک اسلامی، جمهوری اسلامی... از کلمه‌ی دموکراتیک نترسید. این فرم غربی است ما فرم‌های غربی را نمی‌پذیریم... همه مردم در آراء آزاد هستند، وقتی رفراندوم اعلام شد رأی من حکومت جمهوری اسلامی است... هرکس که تبعیت از اسلام دارد، جمهوری اسلامی باید بخواهد لکن تمام مردم آزادند که آراء خودشان را بنویسند...»<sup>۸</sup>

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۰، ۱۳۵۷/۱۲/۳۶، ص ۸

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۹، ۱۳۵۷/۱۲/۳۴، ص ۱

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۳، ۱۳۵۷/۱۲/۱۷، ص ۴

۴. اطلاعات، ش ۱۵۷۹۱، ۱۳۵۷/۱۲/۳، ص ۴

۵. عمید زنجانی، همان، ص ۱۰۴

۶. برای آگاهی از این نظریه مراجعه شود:

روح الله خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

۷. مراجعه شود به متن سخنرانی امام خمینی (ره) مندرج در:

اطلاعات، ش ۱۵۷۹۸، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۴

۸. مراجعه شود به متن سخنرانی امام خمینی (ره) مندرج در:

اطلاعات، ش ۱۵۷۹۸، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۴

پیشنهاد ششم علاوه بر اکثریت مردم از طرف برخی تشکلهای احزاب و شخصیت‌های سیاسی مردم حمایت قرار گرفت. از تشکلهای معروف آن زمان جبهه‌ی ملی به دبیر کل دکتر کریم سنجابی<sup>۱</sup>، سازمان مجاهدین خلق (منافقین)<sup>۲</sup>، حزب توده‌ی ایران، و حزب خلق مسلمان، تمامی احزاب و تشکلهای نیروی مذهبی مانند؛ حزب جمهوری اسلامی، و جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران و شخصیت‌های معروفی مانند خطیب طراز اول آن زمان، مرحوم فلسفی مورد حمایت قرار گرفت:

«چرا جمهوری اسلامی شود؟ برای اینکه در جمهوری اسلامی جسم و جان، ماده و معنی، بدن و روح، دنیا و آخرت با هم دوش به دوش هم اداره می‌شود. جمهوری اسلامی یعنی بر خلاف روش‌های غلط سه قرن اخیر دنیا، می‌خواهیم ایران برود به مسیر مکتب اسلامی، هم جان باشد هم جسم، هم عقل باشد هم ماده، هم وجدان اخلاقی باشد هم اقتصاد... در کشورهای امروز دنیا حکومت مردم بر مردم است، در کشور جمهوری اسلامی حکومت خدا بر مردم است... آن را که خدا بگوید خوب؛ خوب، آن را که بگوید بد؛ بد و در قانونگذاری جمهوری اسلامی معیار این است».<sup>۳</sup>

به علاوه مرحوم دکتر پاشتی در همین باره گفت:

«... باید حکومتی را انتخاب کنید که در آن زور و تهدید مورد بهره‌برداری احدی قرار نگیرد. هیچ مرجعی در شیعه رهبریش را بر مردم تحمیل نکرده است. حالا که باید در جامعه‌ی ما بر این اساس حکومتی سرکار آید، این حکومت باید شکلی داشته باشد که در آن شکل عامل تحمیل وجود نداشته باشد. جمهوری

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۷، ۱۲/۱۲/۱۳۵۷، ص ۲.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۱، ۲۷/۱۲/۱۳۵۷، ص ۲.

۳. محمدتقی فلسفی، «خوب است که خدا بگوید خوبست»، اطلاعات، ش ۱۵۰۱، ۱۵/۱۲/۱۳۵۷،

ص ۴.

اسلامی نوع حکومتی است که با پذیرش و انتخاب آزادانه‌ی اکثریت ملت به قدرت می‌رسد.<sup>۱</sup>

صرف نظر از این حمایتها؛ با این پیشنهاد، مخالفت‌های تلویحی و صریح نیز صورت گرفت. مخالفت تلویحی در قالب طرح و تشریح پیشنهادهای رقیب و مخالفت صریح در شکل وارد کردن ایرادهایی به محتوای این پیشنهاد، نظیر «... هنوز محتوای جمهوری اسلامی مبهم و نامعلوم است»<sup>۲</sup> انجام شد و گاه در شکل دیگر در قالب حملات مسلحانه در مرکز و مناطق مختلف کشور صورت گرفت. تلاش انقلابیون برای انهدام مراکز قدرتی رژیم شاه از روز پیروزی انقلاب اسلامی آغاز گردید. به موازات دستگیری و مجازات عوامل رژیم سابق و مصادره‌ی اموال آنان که توسط دادگاههای انقلاب، کمیته و سپاه پاسداران صورت می‌گرفت، شهرهای مختلف کشور بویژه تهران بطور متوسط روزانه شاهد انفجار بمب یا ترور و کشته شدن افراد، دستگیری اعضای گروههای سیاسی و ضرب و شتم آنان توسط اشخاص مسلح ناشناس، درگیری گروههای سیاسی در میتینگ‌های مختلف، و بهم خوردن جلسات سخنرانی بود. به علاوه در مناطق مختلف کشور، بویژه مناطق قومی کردستان، آذربایجان غربی و شرقی، سیستان و بلوچستان، ترکمن صحرا، و خوزستان درگیری‌های لفظی و مسلحانه روز به روز تشدید گردید و به بحرانی فزاینده تبدیل شد.

هر چه زمان تدارک مراحل مقدماتی رفراندوم توسط دولت موقت انقلاب اسلامی نزدیک می‌شد، درگیری‌ها ابعاد فزاینده‌تر به خود می‌گرفت. به عنوان مثال در تظاهراتی که در چهارم اسفندماه ۱۳۵۷ به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق در دانشگاه تهران برپا شد به نیروهای انحصار طلب که سهم سایر

۱. سمیعی، همان، ص ۷۲.

۲. عزالدین حسینی (امام جمعه‌ی وقت مهاباد)، اطلاعات، ش ۱۵۱۸۶، ۱۳۵۸/۱/۸، ص ۲.

نیروها را در انقلاب انکار می‌کنند حمله شد<sup>۱</sup>، یا در روز دوم اسفند ماه ۱۳۵۷ افراد مسلح به اجتماع فرهنگی عضو جبهه‌ی ملی در شمیران حمله کردند<sup>۲</sup>، یا در روز اول اسفند ۱۳۵۷ در شهرهای مشهد و اصفهان زد و خوردهای پراکنده روی داد<sup>۳</sup>، یا در تاریخ شانزدهم اسفند ماه ۱۳۵۷ در جاده‌ی سنندج - کرمانشاه، سه چریک فدایی خلق کشته شدند<sup>۴</sup> یا در ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ در درگیری‌های سنندج حدود ۱۳۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر مجروح شدند.<sup>۵</sup>

در تاریخ بیستم اسفندماه ۱۳۵۷ دستور انجام همه‌پرسی تعیین نوع نظام توسط رئیس دولت موقت صادر گردید. قرار بود ملت ایران در همه‌پرسی به این سؤال که «آیا نوع حکومت آینده جمهوری اسلامی باشد یا خیر؟» پاسخ آری یا نه دهند. همین شکل همه‌پرسی مورد اختلاف نظر گروه‌های سیاسی واقع گردید. در حالیکه سخنگوی وقت دولت موقت، اعلام داشت:

«در تمام دنیا فراندوم فقط به صورت آری یا نه انجام می‌شود و اگر تعداد کسانی که رأی منفی داده‌اند بیشتر از رأی دهندگان مثبت باشد آن وقت سؤال عوض می‌شود و مجدداً درباره‌ی سؤال جدید رأی‌گیری خواهد شد»<sup>۶</sup>.

برخی از گروه‌های سیاسی غیر مذهبی با نحوه‌ی انجام همه‌پرسی به شکل بالا مخالفت کردند. آیت‌الله شریعتمداری که بعداً پدر معنوی - سیاسی حزب جمهوری خلق مسلمان، رقیب جدی رهبر انقلاب اسلامی گردید، با بهره‌برداری از رسانه‌های مختلف، در جمله روزنامه‌ی اطلاعات به اشکال مختلف با گروه‌های مخالف همصدا گردید. به عنوان مثال وی در تاریخ چهارم اسفند ماه

۱. سمیعی، همان، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۳، ۱۳۵۷/۱۱/۱۷، ص ۱.

۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۳، ۱۳۵۷/۱۲/۱۷، ص ۱.

۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۶، ۱۳۵۸/۱/۶، ص ۲.

۶. عباس امیرانتظام، اطلاعات، ش ۱۵۸۰۶، ۱۳۵۷/۱۲/۳۱، ص ۲.

۱۳۷۵ - زمانی که در افواه بحث نحوه‌ی برگزاری همه‌پرسی مطرح بود - اعلام کرد:

«...باید از مردم پرسیده شود چه نوع حکومتی می‌خواهند، نه آن که مردم مجبور باشند نوع محدودی اظهار نظر کنند<sup>۱</sup>... پاسخ رفراندوم لازم نیست به دو شکل محدود شود.»<sup>۲</sup>

نیز وی بلافاصله بعد از اعلام نظر سخنگوی دولت موقت، اظهار داشت:

«نظر من این است که باید عموم مردم را در اظهار عقیده‌شان آزاد بگذاریم، به جای اینکه ما به مردم بگوییم جمهوری اسلامی می‌خواهند یا حکومت مشروطه؟ بهتر است سؤال کنیم که چه نوع حکومتی می‌خواهید؟»<sup>۳</sup>.

عین همین موضع را چریک‌هایی فدایی خلق با گفتن اینکه «باید به مردم فرصت داد تا به حکومت موردنظر خودشان در رفراندوم رأی بدهند که متأسفانه بدون در نظر گرفتن موافقت یا مخالفت با جمهوری اسلامی، طرح سؤال رفراندوم فعلاً پاسخگوی این مسئله نیست.»<sup>۴</sup>، مجاهدین خلق با اعلام اینکه «این نوع رفراندوم، مردم را بین نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر می‌سازد و این نوعی ترس اجبار را در رأی دادن به همراه دارد.»<sup>۵</sup>، و کمیته‌ی موقت ارتباطات جبهه‌ی ملی ایران، با اعلام اینکه «تا پیش از اظهار نظر درباره‌ی مفاد قانون اساسی آینده و بحث و تصویب آن، هر نوع سؤال کلی را خالی از فایده و جواب مثبت و منفی به هر موضوع مبهمی را زیانبخش می‌دانیم و نمی‌توانیم با نحوه‌ی رفراندوم اعلام شده موافق باشیم یا در آن شرکت کنیم»<sup>۶</sup>، همین مواضع را اتخاذ کردند. به علاوه در زاهدان حدود ۱۵۰ نفر از بلوچ‌های افراطی ضمن

۱. سمعی، همان، ص ۴۱.  
۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۶، ص ۱۳۵۷/۱۲/۳۱ ص ۲.  
۳. اطلاعات، ش ۱۵۷۹۲، ۱۳۵۷/۱۲/۵، ص ۱.  
۴. همان، ص ۷.  
۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۱، ۱۳۵۷/۱۲/۳۷، ص ۲.  
۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۵، ۱۳۵۸/۱۷، ص ۸.



پشتیبانی از کردهای شورشی کردستان، شعار دادند که «آری یا نه یک حقه جدید است»<sup>۱</sup> و در اظهار نظری فردی نوشته شد که «سلطنت یا جمهوری، سلطنت یا جمهوری اسلامی، سلطنت یا جمهوری دموکراتیک و سطنت یا جمهوری دموکراتیک اسلامی، باید مورد سؤال قرار گیرد»<sup>۲</sup>. نیز جبهه‌ی دموکراتیک ملی به رهبری هدایت‌الله متین‌دفتری (انشعابی از جبهه ملی) تقاضا کرد که رفراندوم در دو مرحله برگزار شود: طرد حقوقی رژیم سلطنتی از راه نفی مردمی آن و رفراندوم تعیین نوع حکومت.<sup>۳</sup>

نه دولت موقت و نه نیروهای حامی برگزاری همه‌پرسی (از جمله نیروی مذهبی که اکثریت را تشکیل می‌داد) این پیشنهادات را نپذیرفتند. چرا که معتقد بودند اولاً، اسلام در سرزمین ایران ناشناخته نیست و شیعیان قرن‌ها برای استقرار حکومت علوی مبارزه کرده‌اند و انواع دیگر حکومت‌ها (از جمله حکومت‌های پیشنهادی دیگر گروه‌ها) را مصداق حکومت نامشروع و جور دانسته‌اند. و اصولاً مبارزه‌ی ملت مسلمان ایران، بدون هدف، غیر منطقی به نظر می‌رسد. نتیجه اینکه شناخت مردم از حکومت اسلامی و اهداف آن بیش از سایر انواع حکومت‌هاست. ثانیاً، افرادی که مطلوب خود را حکومتی غیر جمهوری اسلامی می‌دانند عده‌ی قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهند و در تمام شعارهای دوران انقلاب، آنچه چشمگیر بود، جمهوری اسلامی بود و نه نوع دیگری از جمهوری.

در عین حال چنانچه در فرض محال در همه‌پرسی، جمهوری اسلامی رأی نیاورد، این رأی منفی به معنی تأیید سلطنت نخواهد بود و همه‌پرسی دیگری برگزار خواهد شد،<sup>۴</sup> ثالثاً، پیروی از نظریات گروه‌های سیاسی از فرصت تحکیم

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۸، ۱۱/۱۱/۱۳۵۵، ص ۴.

۲. منوچهر کمالی طه، «با آری یا نه به جمهوری دلخواه نمی‌رسیم»، اطلاعات، ش ۱۵۷۹۲.

۳. همان.

۴. ص ۱۳۵۷/۱۲/۵.

۴. مدنی، همان، ص ص ۴۸ - ۴۷.

انقلاب اسلامی خواهد کاست، هزینه‌ی تحکیم نظام را بالا خواهد برد و به ضد انقلاب فرصت ضربه زدن به اصل انقلاب اسلامی را خواهد داد. به این ترتیب دولت موقت و رهبری انقلاب اسلامی بر برگزاری سریع همه پرسی در دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ اصرار ورزیدند.

علاوه بر سازماندهی نظامی مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق و در اختیار گرفتن ساختمان‌هایی تحت عنوان ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین و مقر چریک‌های فدایی خلق در تهران، برخی نیروهای مخالف؛ به کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان عزیمت کرده و درگیری‌های از پیش ایجاد شده را تداوم بخشیدند. در کردستان گروهی از کردها به رهبری حزب دموکرات کردستان، خواهان خودمختاری کردستان شدند.<sup>۱</sup> این درخواست مورد حمایت چریک‌های فدایی خلق قرار گرفت.<sup>۲</sup>

در خوزستان، سازمان خلق عرب ایران در خرمشهر اعلام موجودیت کرد و خواهان تشکیل نوعی حکومت خود مختار کاملاً قومی عربی در خوزستان شد و در ادامه دست به شورش‌های مسلحانه، تخریب اماکن عمومی و کشت و کشتار زد.<sup>۳</sup> در ترکمن صحرا، ستاد خلق ترکمن اعلام موجودیت کرد و خواستار تدریس زبان ترکمنی در مدارس، تغییر نام بندرشاه به بندر ترکمن، ایجاد شورای انقلابیون، انتخاب رؤسای ادارات با نظر شورای انقلاب و خودمختاری برای ترکمنستان گردید و خواسته‌های شورشیان کرد را مورد تأیید قرار داد.<sup>۴</sup> در کنار آن هم، اعضای ستاد خلق ترکمن به نبرد مسلحانه با نیروهای دولتی پرداختند. از طرف دیگر گروهی به نام برادران بلوچ اهل تسنن سیستان و بلوچستان، خواهان

۱. اطلاعات، ش ۱۵۷۹۸، ۱۳۵۷/۱۲/۱۲، ص ۷.  
 ۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۶، ۱۳۵۷/۱۲/۳۱، ص ۷.  
 ۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۰۵، ۱۳۵۷/۱۲/۳۰، ص ۷.  
 ۴. همان، ص ۸.

نوعی خودمختاری با محوریت حفظ و اجرای حق حاکمیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی مردم بلوچستان و سیستان شدند<sup>۱</sup> و خواسته‌های سایر اقوام را تأیید کردند. در مرکز کشور نیز جبهه‌ی دموکراتیک ملی، خواهان قبول و تأیید حقوق فرهنگی و خودمختاری داخلی خلق‌های ایران شد.<sup>۲</sup>

به علاوه، مجموعه‌ی هر یک از گروه‌ها و احزاب مخالف، با هدف جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی، اعلام کردند که به دلایلی در همه‌پرسی شرکت نمی‌کنند. مثلاً چریک‌های فدایی خلق و گروه‌های هوادار آنها، با این ادعا که نمی‌دانند جمهوری اسلامی چیست<sup>۳</sup>، هشت جمعیت و گروه کرد به همراه هیأت مؤسس حزب ناسیونال دموکرات ایران<sup>۴</sup>، و شیخ عزالدین حسینی با این ادعا که «هنوز محتوای جمهوری اسلامی مبهم و نامعلوم است و بویژه از نظر تعیین سرنوشت و مسأله‌ی خودمختاری کرمانستان در چارچوب ایران آزاد و حقوق حقه‌ی سایر خلق‌ها نامشخص می‌باشد»<sup>۵</sup> اعلام کردند که در همه‌پرسی تعیین نوع نظام شرکت، نمی‌کنند.

در مقابل؛ علاوه بر امام خمینی و کلیه‌ی تشکل‌های مذهبی، که خواهان دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی شدند، از یک سو برخی تشکل‌های غیرمذهبی مانند حزب توده‌ی ایران<sup>۶</sup>، حزب خلق مسلمان، و پان ایرانیست‌ها و سازمان فرهنگیان جبهه‌ی ملی ایران و هیأت دبیران کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان و گروه‌های روشنفکران یهودی ایران و زرتشتیان ایران<sup>۷</sup>، اعلام کردند که به جمهوری اسلامی رأی می‌دهند. از سوی دیگر مراجعی چون مرحوم

۱. اطلاعات، ش ۱۳۵۷/۱۲/۱۵، ص ۷.

۲. اطلاعات، ش ۱۳۵۸/۱/۶، ۱۵۸۱۶، ص ۲.

۳. اطلاعات، ش ۱۳۵۸/۱/۸، ۱۵۸۱۶، ص ۸.

۴. همان، ص ۲.

۵. اطلاعات، ش ۱۳۵۷/۱۲/۳۴، ۱۵۸۰۹، ص ۱.

۶. اطلاعات، ش ۱۳۵۸/۱/۸، ۱۵۸۱۶، ص ۸.

آیت‌الله گلپایگانی<sup>۱</sup>، مرحوم آیت‌الله خوئی<sup>۲</sup> ضمن اعلام رأی خود به جمهوری اسلامی، از مردم نیز خواستند به جمهوری اسلامی رأی دهند.

چون احتمال رأی مثبت به جمهوری شدیداً قوت گرفت، نبرد مسلحانه از چهارروز مانده به برگزاری همه‌پرسی، در شهر گنبد توسط گروه‌های مخالف آغاز شد و طی آن ۸ نفر در روزهای ششم و هفتم فروردین کشته و ۹ نفر مجروح شدند<sup>۳</sup> و این درگیری تا روز برگزاری همه‌پرسی ادامه داشت و در روز دهم فروردین به جنگ تن به تن تبدیل شد<sup>۴</sup>. نیز در ترکمن صحرا در روزهای ۶، ۷ و ۸ فروردین طی درگیری‌های مسلحانه ۲۶ نفر کشته و ۷۷ نفر مجروح شدند<sup>۵</sup>. ناآرامی و خشونت که به این ترتیب آغاز شد، حتی در اولین روز رأی‌گیری در سقز (با به آتش کشیده شدن صندوق‌های آراء)، مهاباد، ترکمن صحرا، سیستان و بلوچستان تداوم یافت و در این نقاط رأی‌گیری یا اصلاً برگزار نشد یا تعطیل گردید<sup>۶</sup>.

علیرغم تمامی تلاشی‌های تبلیغاتی و عملیاتی مخالفین مسلح همه‌پرسی جمهوری اسلامی در ایجاد جوی متشنج؛ استقبال مردمی در انتخابات به حدی بود که مجریان انتخابات در بسیاری از شهرستان‌ها با کمبود تعرفه‌ی اخذ رأی مواجه شدند. نتیجه‌ی همه‌پرسی با ۲۰/۰۵۴/۸۳۴ رأی موافق و ۳۶۷۶۰۴ رأی مخالف از مجموع ۲۰۴۲۲۴۳۸ رأی اخذ شده، ۹۸/۲ درصد به نفع جمهوری اسلامی پیشنهادی امام خمینی بود. این اولین صحنه‌ی مسابقه‌ی جدی بین نیروهای سیاسی بود که در آن، نیروی مذهبی پیروز از میدان مسابقه خارج شد.

۱. همان، ص ۷.
۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۷، ۱۳۵۸/۱/۹، ص ۲.
۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۵، ۱۳۵۸/۱/۷، ص ۳.
۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۶، ۱۳۵۸/۱/۸، ص ۲.
۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۶، ۱۳۵۸/۱/۸، ص ۲.
۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۱۸، ۱۳۵۸/۱/۱۱، ص ۷ (به نقل از احمد صدر حاج سیدجوادی وزیر کشور وقت دولت موقت).

دومین گام، تدوین قانون اساسی متناسب با این عنوان بود، که در دومین مرحله مسابقه‌ای جدی بر سر آن درگرفت.

### ب - تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی

گرچه قانون اساسی، ماهیت و کیفیت آن از آغازین روزهای اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به نوعی ذهن مشغولی برای نیروهای سیاسی تبدیل شده بود، بحث جدی در مورد قانون اساسی نه روز پس از تصویب ملی نوع نظام جدید آغاز شد. فرایند تدوین پیش نویس، بررسی آن، نگارش متن قانون اساسی و تصویب ملی آن با عنایت به اهمیت که در شکل دهی به ساختار نظام سیاسی و تعیین جایگاه قدرتی نیروهای سیاسی داشت، موضوع رقابت سیاسی جدی نیروهای سیاسی واقع گردید.

اولین متن پیش نویس قانون اساسی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در پاریس تهیه شده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تهران توسط گروهی از صاحب نظران مطالعه شد، سپس به نظر گروهی از فضلا و مراجع قم و امام خمینی رسید، با مختصر تغییراتی، که توسط دولت موقت در آن داده شد، در اختیار شورای انقلاب قرار گرفت، در شورای طرح‌های انقلاب، مطالعه‌ی بیشتری روی آن صورت گرفت<sup>۱</sup> و شورای انقلاب آن را به عنوان پیش نویس قانون اساسی، اواخر خرداد ماه ۱۳۵۸ منتشر ساخت تا صاحب نظران درباره‌ی آن نظر دهند.

پیش از این، از زمان برگزاری همه پرسی جمهوری اسلامی تا زمان انتشار پیش نویس، اعتصابات، تظاهرات و گردهمایی مسلحانه و درگیری در شهرهای بزرگ ادامه داشت، مناطق روستایی همچنان دچار بحران شدید بود. به عنوان مثال در همین مقطع بمبی در کمیته‌ی مسجد محسنی واقع در ستاد مرکزی کمیته‌ی

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۰، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۲.

نیروی هوایی منفجر شد و چند نفر را نابود کرد،<sup>۱</sup> در فرح آباد تهران تیراندازی شدید روی داد و یک ساختمان به محاصره‌ی افراد مسلح درآمد،<sup>۲</sup> میتینگ سازمان انقلابی در اثر تیراندازی هوایی بهم خورد،<sup>۳</sup> سرلشکر قره‌نی توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید،<sup>۴</sup> در تهران و تبریز و قم به دعوت حزب خلق مسلمان به طرفداری از آیت‌... شریعتمداری راهپیمایی اعتراض صورت گرفت،<sup>۵</sup> به دنبال واقعه‌ی بازداشت دو تن از فرزندان آیت الله طالقانی توسط نیروهای سپاه پاسداران، از طرف مجاهدین خلق تحصن و تظاهرات صورت گرفت و سازمان اعلام کرد که نیروهایش را در اختیار آیت الله طالقانی قرار داده است،<sup>۶</sup> آیت الله مرتضی مطهری توسط گروه فرقان در روز ۱۲ اردیبهشت به شهادت رسید؛ در شهر زنجان و کرمانشاه درگیری رخ داد،<sup>۷</sup> گروهی از کارکنان مؤسسه‌ی کیهان از ورود ۲۰ نفر از کارکنان غیر انقلابی مؤسسه به آن مؤسسه جلوگیری کردند و این عمل مورد تأیید و حمایت حزب جمهوری اسلامی قرار گرفت،<sup>۸</sup> حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در روز پنجم خرداد مورد سوء قصد قرار گرفت و زخمی شد، و در تبریز بین گروه‌های هوادار چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های مذهبی در جریان تظاهرات ضد امریکایی درگیری ایجاد شد.<sup>۹</sup> در همین فضا بود که نخست وزیر دولت موقت اظهار داشت: تعدد مراکز قدرت کارها

۱. اطلاعات، ش ۱۵۲۸۴، ۱۳۵۸/۱/۱۹، ص ۲.
۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۲۵، ۱۳۵۸/۱/۳۵، ص ۸.
۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۲۹، ۱۳۵۸/۱/۳۵، ص ۸.
۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۷، ۱۳۵۸/۳/۳، ص ۱.
۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۸، ۱۳۵۸/۳/۴، ص ۲۱ - ۱.
۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۳، ۱۳۵۸/۱/۳۹، ص ۸.
۷. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۳، ۱۳۵۸/۳/۱۷، ص ۳.
۸. مراجعه شود به:
- الف - اطلاعات، ش ۱۵۸۵۵، ۱۳۵۸/۳/۳۶، ص ۸.
- ب - اطلاعات، ش ۱۵۸۵۶، ۱۳۵۸/۳/۳۷، ص ۱۲.
۹. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۳، ۱۳۵۸/۳/۵، ص ۲.

را فلج کرده است.<sup>۱</sup>

مناطق قومی نشین نیر رضعی بهتر از سایر مناطق کشور نداشت. به عنوان نمونه در مهاباد در اطراف پادگان آن شهر زد و خورد روی داد<sup>۲</sup>، در آبادان دفاتر و مراکز گروه‌های سیاسی مورد حمله قرار گرفت<sup>۳</sup>، در سنندج درگیری و شورش مسلحانه روی داد<sup>۴</sup>، در نقده میتینگ حزب دموکرات کردستان دچار تشنج شد و سلسله نبردهایی صورت گرفت که در آن ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند<sup>۵</sup>، خرمشهر به دنبال به آتش کشیده شدن کانون نظامی - فرهنگی خرمشهر به تشنج کشیده شد<sup>۶</sup>، درگیری‌های مسلحانه در آبادان و خرمشهر حدود ۷۰ نفر کشته به جای گذاشت<sup>۷</sup>، دوازده هزار کرد ایرانی تهدید کردند چنانچه به تقاضاهایشان رسیدگی نشود تابعیت ایران را ترک خواهند کرد<sup>۸</sup> و حوادثی از این قبیل که حاصل آن انفجار آمیز بودن اوضاع کشور بود. مطلب ذیل جوهره‌ی فضای آن زمان را نشان می‌دهد: «برخوردهای قهرآمیز گروه‌ها، ادامه‌ی هرج و مرج در کارخانه‌ها، کم کاری در دستگاه دولت، عدم رعایت قوانین، تجاوز به حریم یکدیگر، فرار از کار به امید کمک دولت، نغمه‌های ناموزون تجزیه‌طلبی، سلب امنیت از مردم بر اثر بازداشت‌های بی دلیل، دامن زدن مطبوعات به اختلاف... زمینه‌ی روحی مردم را برای پذیرش یک دیکتاتوری آماده می‌سازد».<sup>۹</sup>

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۶، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۱۱.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۲۰، ۱۳۵۸/۱/۱۴، ص ۳.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۲، ۱۳۵۸/۱/۲۸، ص ۷.

۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۳، ۱۳۵۸/۱/۳۰، ص ص ۷ و ۳.

۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۳۵، ۱ و ۱۳۵۸/۲/۲، ص ۲.

۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۵۳، ۱۳۵۸/۲/۲۴، ص ۱.

۷. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص ۱.

۸. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۶، ۱۳۵۸/۴/۲، ص ۲.

۹. سمیعی، همان، ص ص ۱۱۷ - ۱۱۶ (به نقل از ناصر مکارم شیرازی، «دیکتاتوری خشن در راه

است»، اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۱۲).



در همین فضا بود که پیش از اظهار نظر راجع به خود قانون اساسی بحث بر سر لزوم یا عدم لزوم مجلس تدوین کننده‌ی قانون اساسی درگرفت. در این باره دو دیدگاه مطرح بود:

دیدگاه اول بر لزوم وجود همه‌پرسی قانون اساسی و تعیین تکلیف آن توسط همه‌پرسی تأکید داشت و معتقد بود «قانون اساسی باید با رفراندوم تصویب شود»<sup>۱</sup>، و «تشکیل مجلس مؤسسان ضرورتی ندارد»<sup>۲</sup>. جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران نیز بدون اشاره به لزوم یا عدم لزوم تشکیل مجلس بر لزوم تصویب سریع قانون اساسی جمهوری اسلامی به سرعتی همانند تصویب سریع رفراندوم تعیین نوع نظام تأکید کرد.<sup>۳</sup> علاوه بر آن برخی از اعضای شورای انقلاب اسلامی و دولت موقت نیز در جلسه‌ی مشترک خود که در حضور امام خمینی در قم تشکیل شد به دلیل اینکه وقت کافی برای تشکیل مجلس مؤسسان وجود ندارد و نوطئه‌ها روز به روز بیشتر می‌شود، از چنین نظری حمایت کردند.<sup>۴</sup>

نظر دوم بر آن بود که باید مجلس مؤسسان تشکیل شود. تقریباً تمامی تشکل‌های لیبرال، چپ والتقاطی از این نظر پیروی می‌کردند. احتمالاً این سه نیرو که در مرحله‌ی اول از رقابت نتوانسته بودند به پیروزی دست یابند تمایل داشتند از تاکتیک دفع الوقت در تشکیل و سازوکار مجلس مؤسسان، برای اینکه زمان را به نفع خود تغییر دهند، استفاده کنند. دفع الوقت احتمالاً می‌توانست با همراهی فضای داخلی و خارجی ایجاد شده توسط دولت امریکا و عراق و ارتجاع منطقه علیه انقلاب اسلامی و نیروی مذهبی، مسیر شکل‌گیری محتوای نظام

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۲، ۱۳۵۸/۳/۲۸، ص ۲ (به نقل از آیت الله سیدعبدالله شیرازی).

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۱، ۱۳۵۸/۳/۱۴، ص ۲ - ۱ (به نقل از آیت الله سیدصادق روحانی).

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۶، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۱.

۴. اسماعیلی، همان، ص ۱۱۵ (برخی از این افراد عبارت بودند از: شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت الله طالقانی، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت الله مهدوی کنی، صادق قطب زاده، و مهندسی کتیرایی).



جمهوری اسلامی را به سوی دیگر هدایت نماید. البته باید اذعان داشت که برخی از شخصیت‌های متمایل به تشکیل مجلس مؤسسان نیز واقعاً با قصد خیر و با نگاهی کارشناسانه خواهان چنین چیزی بودند. در عین حال در ظاهر نوعی اتحاد بین همه‌ی نیروهای طرفدار مجلس مؤسسان وجود داشت.

علاوه بر برخی از اعضای شورای انقلاب و دولت موقت،<sup>۱</sup> حزب خلق مسلمان<sup>۲</sup> و آیت الله شریعتمداری<sup>۳</sup>، سازمان مجاهدین خلق<sup>۴</sup>، جبهه‌ی ملی<sup>۵</sup>، کانون و کلاهی دادگستری<sup>۶</sup> و بسیاری دیگر از شخصیت‌های لیبرال، چپ و التقاطی از تشکیل مجلس مؤسسان حمایت کردند.<sup>۷</sup>

بالاخره نظر واسطی موقتاً به جدال دو گروه خاتمه داد. بر طبق این پیشنهاد مجلسی برای بررسی نهایی «انون اساسی جمهوری اسلامی معروف به خبرگان از تعداد کمتری نمایندگان منتخب تشکیل می‌شد و در کوتاهترین زمان ممکن (که در قانون مربوطه ۳۰ روز برآورد شد) قانون اساسی را بررسی و متن را برای همه‌پرسی آماده می‌ساخت. این نظر که حاصل جلسه‌ی مشترک شورای انقلاب و دولت موقت در حضور امام (ره) بود، توسط حضرت امام (ره) به دولت موقت فرمان داده شد: «... طرح قانون اساسی را که شورای طرح‌های انقلاب مشغول تدوین و تکمیل آن هستند با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هرچه زودتر در اختیار افکار عمومی بگذارید تا همه‌ی صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت

۱. همان، ص ۱۱۶. (برخی از این افراد عبارت بودند از: مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر یدالله سبحانی، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس هاشم صباغیان و ابوالحسن بنی صدر).

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص ۹ و ۱.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۵، ۱۳۵۸/۳/۲۰، ص ۱۱.

۴. همان، ص ۱۲. ۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۷، ۱۳۵۸/۳/۹، ص ۷.

۶. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۳۵۸/۳/۱۰، ص ۸.

۷. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۸، ۱۳۵۸/۳/۴، ص ۱۱.

در مدت محدودی که تعیین می‌نمایند پیشنهادها و نظرات خود را درباره‌ی آن ابراز نمایند و بنابر تصمیمی که با تبادل نظر با شورای انقلاب و دولت موقت گرفته شد ترتیبی دهند تا مردم هراستان و هریک از اقلیت‌های مذهبی نمایندگان صاحب نظر خود را، به تعدادی که شورای انقلاب اسلامی و دولت تعیین می‌کنند، انتخاب کنند و مجلس متشکل از نمایندگان مردم با توجه به همه پیشنهادها مفیدی که رسیده است مواد قانون اساسی را به صورت نهایی بررسی و تنظیم نماید... پس از آنکه این قانون اساسی در جمع نمایندگان صاحب نظر مردم مورد بررسی قرار گرفت به رأی گذارده شود و طی یک همه‌پرسی نهایی، همه‌ی آحاد ملت قبول یا رد خود را بطور مستقیم درباره‌ی آن ابراز نمایند و سعی شود که تمام این مراحل در اسرع وقت انجام گیرد تا با انتخاب رئیس جمهور و نمایندگان مجلس ارکان حکومت جمهوری اسلامی استقرار یابد.<sup>۱</sup>

به این ترتیب نیروی مذهبی یک قدم از فراندوم بدون مجلس عقب نشینی کرد و سایر نیروها نیز موقتاً به مجلس خبرگان رضایت دادند به امید آنکه بتوانند در مجلس مزبور اکثریت را بدست آورند. در عین حال بخش‌هایی از نیروی لیبرال، چپ و التقاطی به تلاش خود برای بی اعتبار سازی وجهه و منویات نیروی مذهبی ادامه دادند. به عنوان مثال حسن نزیه، عضو نهضت آزادی و دبیر کل حزب خلق مسلمان و مدیر شرکت نفت و رئیس کانون و کلابی مرکز، با همکاری تشکل‌های همسوی خود، کنگره‌ای چند روزه از وکلا تشکیل داد. جان کلام این کنگره‌ی سیاسی چیزی بود که توسط نزیه بیان گردید:

«اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی را می‌توانیم در قالب اسلامی بسازیم آیات عظام هم می‌دانند این امر در شرایط حاضر نه مقدور است نه ممکن و نه مفید»<sup>۲</sup>.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۵، ۱۳۵۸/۳/۷، ص ۸

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۳، ۱۳۵۸/۳/۵

در حمایت از نزیه، دکتر مظفر بقایی کرمانی، رهبر حزب جمهوری خواه نیز اظهار داشت:

«اگر بخواهیم حکومت صدر اسلام که ۱۴۰۰ سال از آن می‌گذرد الگوی حکومت و دولت امروز قرار دهیم بدون شک اشتباه می‌کنیم... چون جمهوری اسلامی مورد تأیید مردم است ما هم با آن موافقیم به شرطی که افراد متدین ارکان دولت باشند نه فقط جامعه‌ی روحانیت»<sup>۱</sup>.

این موضع که مورد تأیید بسیاری از شخصیت‌ها و تشکل‌های نیروهای غیر مذهبی<sup>۲</sup> قرار گرفت، با واکنش شدید فراگیرترین و بزرگترین حزب نیروی مذهبی مواجه شد. شهید بهشتی دیرکل وقت حزب جمهوری اسلامی در موضعی شدید علیه سخنان نزیه اظهار داشت:

«... خیال کردید با یک کنگره چند صد نفری با نام دهان پرکن حقوق دانها می‌توانید جامعه‌ی انقلابی ما را مرعوب کنید»<sup>۳</sup>.

علاوه بر مردم که در حمایت از موضع حزب جمهوری اسلامی تظاهرات‌هایی برگزار کردند، شهید مفتاح نیز اظهار داشت: «این گفته ناشی از این جهت است که ما اسلام را درست نشناخته‌ایم و تصور کردیم اسلام در چند برنامه‌ی مذهبی خلاصه می‌شود، در حالیکه اسلام تأمین‌کننده نیازهای اجتماعی انسان‌هاست و عامل موفقیت نهضت ایران همین اسلامی بودن بوده است»<sup>۴</sup>.

به دنبال تحركات نیروی مذهبی؛ نزیه در یک عقب‌نشینی آشکار اظهار داشت:

«هدف من از طرح مسئله این بود که قوانین اسلامی که باید پس از تصویب

۱. همان جا.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۷۰ و ۱۵۸۷۱، ۱۳ و ۱۴/۳/۱۳۵۸، ص ۱ و ۸ و ۱۲.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۸، ۱۰/۳/۱۳۵۸، ص ۱.

۴. همان جا.

قانون اساسی وضع شود با توجه به شئون آن در جمیع جهات و مسایل و با توجه به انعطاف پذیری قابل توجهی که داشته و دارد، باید همه جانبه مطالعه شود و به حقوقی تطبیقی برسیم که به آن وسیله از آنچه در احکام الهی آمده بهتر برخوردار شویم»<sup>۱</sup>.

در عین حال سه نیروی غیر مذهبی تلاش کردند با زنده نگه داشتن موضوع مجلس مؤسسان؛ یا حتی الامکان از تشکیل مجلس خبرگان جلوگیری نمایند یا در صورت تشکیل، با حفظ و بدست گرفتن فضا، نمایندگان مورد نظر خود را به مجلس بفرستند. به همین دلیل بود که از یک سو به عنوان مثال دکتر حسن نزیه تهدید کرد که انتخابات را تحریم خواهد کرد<sup>۲</sup> و حزب متبوع وی (خلق مسلمان) اعلام داشت که در صورت به تعویق نیفتادن زمان انجام انتخابات، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمی‌کند.<sup>۳</sup> این موضع مورد حمایت جبهه‌ی دموکراتیک ملی، جبهه‌ی ملی، حزب پان ایرانیست، و گروه اشرف دهقانی و حزب کمونیست کارگران واقع شد؛<sup>۴</sup> و از سوی دیگر برخی گروه‌های سیاسی غیر مذهبی مانند سازمان مجاهدین خلق، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز و گروه جنبش برای آزادی؛ برای شرکت در انتخابات ائتلاف نموده و فهرست مشترک انتشار دادند.<sup>۵</sup>

در مقابل، نیروی مذهبی نیز در دو جبهه به مقابله پرداخت. از یک سو بر مضر بودن تشکیل مجلس مؤسسان تأکید کرد. به عنوان مثال آیت الله ناصر مکارم شیرازی نوشت: ضد انقلاب در حال تشکل روز افزون است، تشکیل مجلس

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۶۹، ۱۳۵۸/۳/۱۲، ص ۲.
۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۸، ۱۳۵۸/۵/۹، ص ۱.
۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۹، ۱۳۵۸/۵/۱۰، ص ۲ و ۳.
۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۱۵ و ۱۵۹۲۰، ۱۳۵۸/۵/۱۱ و ۱۳۵۸/۵/۱۱، ص ۱ و ۳.
۵. اسماعیلی، همان، ص ۱۱۷.

مؤسسان و سازوکار عمل مجلس مؤسسان، وقت زیادی نیاز دارد؛ چنانچه این فرصت داده شود، خطر انهدام کلی انقلاب وجود دارد، بنابراین، مجلس مؤسسان نباشد بهتر است<sup>۱</sup>. علاوه بر آن به هنگام برگزاری انتخابات، ائتلافی بزرگ از جامعه‌ی روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سایر گروه‌های متشکل در نیروی مذهبی تشکیل داد و فهرستی مشترک برای نامزدهای انتخاباتی خود در سراسر کشور منتشر ساخت. نیز هنگامی که پیش‌نویس قانون اساسی منتشر شد تلاش کرد به اعتراضات نیروی غیرمذهبی پاسخ دهد و به این وسیله حضور خود را در فضای سیاسی جامعه حفظ نماید.

پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۸ در دوازده فصل و ۱۵۱ اصل منتشر شد. غیر از فصل دهم مشتمل بر اصول ۱۴۲ تا ۱۴۷ با عنوان شورای نگهبان، اصل ۱۳ با عنوان دینی رسمی، و اصل ۱۵ که حق حاکمیت را ملی و از آن مردم دانسته است، بقیه‌ی اصول و فصول پیش‌نویس، یادآور قانون اساسی مشروطیت (شامل متن و متمم) بود و نسبت به حکومت جدید فاقد نوآوری بود<sup>۲</sup>. علاوه راجع به برخی اقلیت‌های مذهبی نیز سکوت اختیار کرده بود.

آنچه عمدتاً مورد اختلاف واقع شد اصل ۱۳ بود که دین رسمی ایران را اسلام و مذهب جعفری معرفی می‌کرد. این اصل مورد اعتراض نیروهای غیر مذهبی و برخی اقلیت‌های مذهبی واقع شد. به عنوان مثال در مقاله‌ای تحت عنوان «ده

۱. ناصر مکارم شیرازی، «مجلس مؤسسان باشد یا نباشد»، اطلاعات ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۴.

۲. برای اطلاع از پیش‌نویس مراجعه شود به:

الف - اطلاعات، ش ۱۵۸۸۰، ۱۳۵۸/۳/۱۶، ص ۵ و ۶.

ب - راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸)،

ص ۲۲ - ۶.

ایراد به پیش نویس قانون اساسی» نویسنده اظهار داشت: «دین رسمی جمهوری اسلامی ایران باید شریعت انور اسلامی باشد لا غیر. دین نباید هم عرض مذهب باشد؛ جنایتی که صفویه کرد و ۳۰۰ سال است که داریم چوبش را می خوریم»<sup>۱</sup>، یا علامه احمد مفتی زاده، رهبر حزب مساوات اسلامی کردستان، به درج دین رسمی در پیش نویس اعتراض کرد،<sup>۲</sup> یا شخصی به نام دکتر علینقی منزوی نوشت که «داستان تشیع صفوی را تکرار نکنید»<sup>۳</sup>، یا مطلبی با عنوان «از میان نامه‌ها» در روزنامه‌ی اطلاعات منعکس گردید که بیان می‌داشت «عنوان کردن مذهب در قانون اساسی خلاف نص قرآن است»<sup>۴</sup>.

در دفاع از این اصل حتی پیش از اینکه اعتراضی صورت گیرد اشخاصی از نیروی مذهبی سخن گفتند. مثلاً آیت الله مرعشی نجفی اظهار داشت که «مذهب رسمی مردم ایران باید جعفری اثنی عشری باشد»<sup>۵</sup> یا مرحوم آیت الله گلپایگانی بیان داشت که «قانون اساسی اسلام قرآن و سنت است». اما عمده‌ی دفاع از این اصل، تکمیل و استحکام آن در مجلس خبرگان صورت گرفت و در آنجا به تصویب رسید.

همچنین پیش نویس به خاطر نقش ضعیفی که برای شورای نگهبان قائل شده بود مورد اعتراض جمعی از شخصیت‌های نیروی مذهبی واقع شد. در اصل ۱۴۲ پیش نویس در مورد ترکیب اعضای شورای نگهبان آمده بود: «پنج نفر از میان مجتهدان پیشنهادی مراجع معروف تقلید به انتخاب مجلس شورای ملی به اضافه‌ی شش نفر از صاحب نظران حقوقی به اضافه‌ی سه نفر از اساتید

۱. احمد علی بابایی، ده ایراد به پیش نویس قانون اساسی، اطلاعات، ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳۳۰، ص ۴.
۲. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۴، ۱۳۵۸/۳۳۰، ص ۸.
۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۷، ۱۳۵۸/۴۳، ص ۹.
۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۹۶، ۱۳۵۸/۱۳، ص ۱۰.
۵. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۵، ۱۳۵۸/۳۳۱، ص ۱ و ۲ و ۱۱.

دانشکده‌های حقوق با اضافه‌ی سه نفر از قضات دیوان عالی کشور.<sup>۱</sup> در این ترکیب ۵ فقیه منتخب مجلس در مقابل ۱۲ نفر غیر فقیه قرار می‌گرفت که مورد اعتراض واقع شد. مثلاً آیت الله حسینعلی منتظری از اینکه در شورای نگهبان پیشنهادی پیش نویس قانون اساسی، فقهاء در اقلیت‌اند، انتقاد کرد<sup>۲</sup>، یا سیدمحمدخاتمی در مقاله‌ای با عنوان «قانون اساسی و خطر جنگ داخلی» ضمن اعتراض به در اقلیت بودن فقها در شورای نگهبان پیشنهاد کرد که تعداد آنان به ۸ نفر افزایش یابد.<sup>۳</sup>

و در اصل ۱۴۴ کار ویژه‌ی شورای نگهبان را تا حد ناظری اطلاعی (نه حتی استطلاعی) و وابسته تقلیل داده بود: «شورای نگهبان به درخواست یکی از مراجع معروف تقلید یا رئیس جمهور یا رئیس دیوانعالی کشور یا دادستان کل کشور صلاحیت رسیدگی به قوانین را پیدا می‌کند مشروطه بر اینکه از تاریخ توشیح قانون بیش از یک ماه نگذشته باشد.»

چون این تنها جایی در پیش نویس بود که به فقیه قدرتی ناچیز بخشیده بود و اسلامیت مندرج در اصل ۱۳ را به شکلی نیم بند و ضعیف رسمیت می‌بخشید مورد اعتراض نیروی مذهبی واقع شد؛ چراکه به نظر نیروی مذهبی، هیچ تناسبی بین پیش نویس و منظاری که ملت از جمهوری اسلامی داشته (یعنی حکومت اسلامی) وجود نداشت. در این باره به عنوان نمونه آیت الله ناصر مکارم شیرازی انتقاد کرد که چرا در پیش نویس قانون اساسی نظارت فقیه بر مسائل اجرایی کشور پیش بینی نشده<sup>۴</sup> یا سیدمحمدخاتمی استدلال کرد که چنانچه بین دولت و مراجع دوگانگی باشد مانند زمان قبل از انقلاب مجدداً مردم متدین دور علما جمع خواهند شد و از آنان پیروی خواهند کرد و در صورت مخالفت دولت با علما،

۱. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۶، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۱۲.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۲، ۱۳۵۸/۴/۳۱، ص ۹.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۷، ۱۳۵۸/۴/۳، ص ۴.



احتمال جنگ داخلی وجود دارد. بنابراین چون رأی شرعی بر هرچیزی حاکمیت دارد، لازم است فقها بر دولت حاکمیت داشته باشند تا دوگانگی ایجاد نشود.<sup>۱</sup> یا مرحوم آیت الله مرعشی نجفی از درج ولایت فقیه، شورای نگهبان و اسلامیت حمایت کرد،<sup>۲</sup> یا حجة الاسلام سید احمد علم الهدی طی مقاله‌ای با عنوان «چرا باید رئیس جمهور حتماً شیعه باشد؟» به اتهام انحصارطلبی شیعه پاسخ گفت و تأکید کرد که شیعه هیچگاه انحصار طلب نبوده است.<sup>۳</sup> همه‌ی این مسائل موجب گردید که نیروی مذهبی در صدد جبران ضعف‌های پیش نویس در مجلس خبرگان برآید.

انتخابات خبرگان در فضایی متشنج (که برخی حوادث آن پیشتر بر شمرده شد) و در حالی در تاریخ ۱۲ مرداد ماه برگزار شد که پیش از آن حداقل دو ترور سازمان یافته‌ی دیگر صورت گرفت و یک توطئه‌ی ترور خنثی شد. به فاصله‌ی یک هفته از هفدهم تا بیست و پنجم تیرماه ۱۳۵۸ محمد تقی حاجی طرخانی ترور شد و به شهادت رسید<sup>۴</sup>، حجة الاسلام سیدرضی شیرازی ترور شد<sup>۵</sup> و زخمی گشت و توطئه‌ی ترور عباس امیر انتظام خنثی شد<sup>۶</sup>. در طول مدتی که به انتخابات خبرگان منجر شد حضرت امام خمینی (ره) در دیدارها، بیانیه‌ها و گفته‌های خود هم وعاظ را برای تأیید طرح دولت درباره قانون اساسی و فراندوم آن بسیج کردند<sup>۷</sup> و هم تأکید کردند که «علما از رفتن به مجلس بررسی قانون اساسی نباید خودداری کنند»<sup>۸</sup>.

۱. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۲، ۱۳۵۸/۳۱، ص ۹.
۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۸، ۱۳۵۸/۴/۳۸، ص ص ۱۰ و ۱۱.
۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۳، ۱۳۵۸/۴/۳۳، ص ۹.
۴. اطلاعات، ش ۱۵۸۹۹، ۱۳۵۸/۴/۱۷، ص ۱.
۵. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۵، ۱۳۵۸/۴/۳۵، ص ۱۰.
۶. اطلاعات، ش ۱۵۹۰۴، ۱۳۵۸/۴/۳۴، ص ۲.
۷. اطلاعات، ش ۱۵۸۸۲، ۱۳۵۸/۳/۳۸، ص ۷.
۸. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۱، ۱۳۵۸/۵/۱۳، ص ص ۲ و ۳ و ۴ و ۱۰ و ۱۱.



همین بسیج همگانی سرجب شور و نشاط انتخاباتی گردید. نتیجه‌ی انتخابات با یک اکثریت ۷۰ درصدی به نفع ائتلاف بزرگ نیروی مذهبی بود.

در جریان برگزاری انتخابات در حوزه‌های رأی‌گیری خرمشهر، چابهار، ایرانشهر، رامهرمز، شوشتر، بروجرد، بروجن، سمیرم با یک کشته، شیراز، جروق، کازرون، رشت، لاهیجان و در حوزه‌ی ۱۱۷ عباس آباد تهران درگیری روی داد و حتی در کردستان انتخابات با مختصر اغتشاشاتی برگزار شد.<sup>۱</sup>

نیروهای سه‌گانه‌ی غیرمذهبی که فقط توانسته بودند ۶ نماینده از مجموع ۷۳ نماینده (یعنی حدود ۸ درصد) به مجلس بفرستند، بطور دسته‌جمعی به نحوه‌ی برگزاری انتخابات اعتراض کرده و حتی حزب جمهوری خلق مسلمان با انتشار نامه‌ای سرگشاده، تقلب در انتخابات را مطرح ساخت. در مقطع مشخص شدن نتیجه‌ی انتخابات تا افتتاح رسمی مجلس خبرگان در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ علاوه بر انتقادات و اعتراضات علیه انتخابات و مجلس خبرگان، جنگ مطبوعاتی شدیدتر شد، طوری که دادستانی کل انقلاب (به دادستانی آقای هادوی) مجبور شد روزنامه‌ی آیندگان و آهنگر را توقیف نماید. همین توقیف نیز موجی از خشونت‌های فیزیکی بین گروه‌های مختلف به همراه داشت.<sup>۲</sup> در همان مقطع، بحران در کردستان به اوج خود رسید: شهر پاره اشتغال شد و در سایر شهرهای کردستان مخصوصاً نقده و مهاباد درگیری شدید به فرماندهی حزب دموکرات کردستان صورت گرفت.<sup>۳</sup> نیز بین گروه‌های مذهبی و گروه‌های چپی و التقاطی درگیری مسلحانه در تهران روی داد.<sup>۴</sup>

رهبر انقلاب اسلامی در این مقطع بحرانی از یک طرف از طریق نیروهای

۱. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۱، ۱۳/۵/۱۳۵۸، ص ۲ و ۳ و ۴ و ۱۰ و ۱۱.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۴، ۱۷ و ۱۳۵۸/۵/۲۲، ص ۱ و ۲.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۰، ۱۵۹۳۲ و ۱۵۹۳۳، ۲۵، ۲۸ و ۱۳۵۸/۵/۳۹، ص ۱ و ۲ و ۱۲.

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۹، ۱۳۵۸/۵/۲۳، ص ۱ و ۲.

نظامی و انتظامی تلاش کرد بحران‌های مناطق قوم‌نشین مخصوصاً کردستان را مهار کند و از طرف دیگر شهید آیت‌الله علی‌قدوسی را به جای هادوی دادستان کل انقلاب کرد تا بحران را در داخل شهرها مهار کند.<sup>۱</sup>

قاطعیت شهید قدوسی و عملیات نظامی ارتش و نیروی انتظامی و پاسداران موجب گردید تا حدودی از دامنه‌ی بحران کاسته شود. چرا که دادستان کل انقلاب ۳۳ نشریه‌ی متخلف و بی‌مجوز را تعطیل کرد<sup>۲</sup> و دستور خلع سلاح گروه‌های سیاسی مسلح را صادر و اجرای آن را آغاز کرد و ارتش، ژاندارمری و شهربانی و سپاه توانستند بسیاری از مناطق از جمله پاره‌ی آزاد و بر آن مسلط شوند. امام نیز با هدف جلوگیری از تعطیل و فلج شدن کشور از راه تحصن، اعتصاب و حمله علیه دولت؛ اعلام کردند که: «تحصن، اعتصاب و تضعیف دولت، خلاف اسلام است».<sup>۳</sup> اقدامات امام (ره) موجب شد مجلس خبرگان بتواند در موعد مقرر آغاز به کار کند. اما گروه‌های با‌زنده هم در خارج از مجلس، مبارزه علیه مصوبات خبرگان را آغاز کردند، و هم نمایندگان آنها در داخل مجلس به فعالیت علیه نیروی مذهبی پرداختند.

اولین گام در داخل مجلس را رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، نامزد مورد حمایت حزب خلق مسلمان برداشت. پس از افتتاح رسمی مجلس خبرگان و شروع به کار آن، مقدم مراغه‌ای خواستار طرح و بررسی اعتبار نامه‌های نمایندگان گردید.

رتال جامع علوم انسانی

۱. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۹، و ۱۵۹۳۱، ۱۸ و ۸۱/۵/۲۵ ص ۱ و ۳ و ۱۱. (عین تیترو روزنامه‌ی اطلاعات ۱۳۵۸/۵/۲۵ چنین است: به دنبال تشنج‌های مختلف امام به دولت، ارتش و پاسداران انقلاب شدیداً اخطار کردند:

دادستان انقلاب باید تمام مجلاتی را که بر ضد مسیر ملت است و توطئه‌گراست توقیف و نویسندگان آنها را محاکمه کند.

- می‌آیم تهران و باروسایی که مسامحه می‌کنند انقلابی عمل می‌کنم.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۴، ۱۳۵۸/۵/۳۰، ص ۱۰.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۲۵، ۱۳۵۸/۵/۸، ص ۱۱ و ۱۰.

احتمالاً هدف از طرح موضوع اعتبار نامه‌ها آن بود که اولاً وقفه‌ای در سرعت دستیابی نیروی مذهبی به منویاتش ایجاد گردد و به موازات وقفه‌ی ایجاد شده با استمداد از شرایط جاری کشور، مجلس خبرگان، وقت خود را به مقدمات اختصاص دهد و در کوتاه مدت نتواند به اهداف خود دست یابد. سپس نیروهای بازنده بتوانند مجلس را به استناد ناکار آمدی در انجام وظایف خود، در موعد مقرر حتی الامکان به انحلال وادار سازند و در غیر این صورت حداقل آن را از جایگاه عالی خود به مجلسی نازل و ضعیف در نگاه افکار عمومی تقلیل دهند؛ و ثانیاً با طرح مسائلی درباره‌ی نمایندگان که اثبات آنها در کوتاه مدت یا حتی بلند مدت ممکن نبود چهره‌ی نمایندگان خبرگان مشوه جلوه داده شود. این در حالی بود که اکثریت قاطع مجلس خبرگان را نیروهای مذهبی شامل مجتهدین (۴۱ نفر)، حوزویان دوره‌ی خارج (۱۲ نفر)، حوزویان دوره‌ی سطح (۳ نفر) و حوزویان دوره‌ی مقدمات (۲ نفر) تشکیل می‌دادند و عموماً در انظار عمومی مورد توجه و شناخته شده بودند. پیشنهاد مقدم مراغه‌ای با گفتن اینکه «...صلاحیت نمایندگان را هیأت نظارت رسیدگی کرده و اعتبار نامه‌ها را تصویب و خدمتشان تقدیم داشته است. اگر جنابعالی خودتان به صلاحیتتان اعتراض دارید می‌توانید تشریف ببرید.<sup>۱</sup>

...ملت صلاحیت آقایان را تشخیص داده است.<sup>۲</sup>

... در مورد تصویب اعتبار نامه، همانطور که فرمودند سنت پارلمانی صحیح است، منتهی باید دید ضرورت دارد یا نه؟ بخصوص که رسیدگی به اعتبار نامه‌ها باز تشکیل کمیسیون می‌خواهد و اگر اعتراضی باشد مورد رسیدگی قرار گیرد که

۱. عباس شیبانی در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول - جلسه اول تا سی و یکم)، (تهران: اداره‌ی کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴)، ص ۱۱.  
 ۲. حسینعلی منتظری در همان، ص ۱۲.

این مدتی وقت می‌خواهد. در یک پارلمانی که عمرش ۲ یا ۴ سال است، خوب وقت این کارها هست ولی برای یک گردهمایی که باید در حداقل وقت ممکن، نمی‌گوییم با شتابزدگی، باید کاری را تمام بکنیم شاید وقت برای این سنت‌هایی که مستحب است نباشد»<sup>۱</sup>، مورد توجه قرار نگرفت و رد شد.

با توجه به اکثریتی که نیروی مذهبی داشت بطور طبیعی هیأت رئیسه‌ی مجلس را از آن خود کرد. ریاست دائمی مجلس خبرگان را آیت‌الله منتظری و نیابت رئیس را آیت‌الله دکتر بهشتی به عهده گرفت. نظر به توانایی‌های بارز مدیریتی و اداری شهید بهشتی جلسات خبرگان را نه رئیس، بلکه نایب رئیس اداره کرد.

این نکته نیز قابل ذکر است که حضرت امام خمینی(ره) در روز افتتاح خبرگان در دیدار با نمایندگان خبرگان و نیز در پیام خود به مجلس خبرگان مطالبی فرمودند که فضای آن زمان کشور را می‌نمایاند و حدود صلاحیت و جهت کار خبرگان را مشخص ساخته است: اول اینکه مشی سیاسی نیروی مذهبی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی قائل شدن حق آزادی کامل برای نیروهای سیاسی دیگر بوده است. این نیروها به جای استفاده‌ی بهینه از آزادی، به تخریب فضا و خشونت دست یازیده‌اند. این سمت‌گیری، نیروی مذهبی را مجبور می‌کند که با خشونت طلبان با ملایمت رفتار نکند:

«ما می‌خواهیم حتی الامکان با ملایمت رفتار بشود خونریزی نشود... بعد از انقلاب آزادی دادیم به خیال اینکه اینها مردمی هستند که اگر لااقل مسلمان نیستند، آدم هستند، اما ماهیتشان روشن شد و اینها نصیحت‌پذیر نیستند باید با اینها با شدت رفتار کرد... ما... خیال می‌کردیم با انسان سروکار داریم بعد معلوم شد که نه ما با انسان سروکار نداریم ما با حیوانات درنده سروکار داریم با حیوانات درنده

۱. محمدحسین بهشتی در همان، ص ۱۳.

نمی‌شود با ملایمت رفتار بکنیم و نمی‌کنیم»<sup>۱</sup>.

دوم اینکه چون «انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا در افتاده‌ترین شهرها و قراء و قصبات با اهداء خون و فریاد «اللّه اکبر» جمهوری اسلامی را خواستار شدند و در فراندوم بی سابقه و اعجاب آور با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند... قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است... و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند وکالت آنان محدود به جمهوری اسلامی است و اظهار نظر رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حدود وکالت است»<sup>۲</sup>.

با توجه به اکثریت و ریاست نیروی مذهبی هر مجلس و تعیین مسیر سمت‌گیری مجلس خبرگان توسط امام (ره) بود که اصول اختلافی پیش نویس به سرعت تصویب شد و علاوه بر آن اصل پنجم (ولایت فقیه) که در پیش نویس نبود به قانون اضافه گردید. کلاً اصول مهم در مذاکرات قانون اساسی عبارت بودند از اصل ۴ (حاکمیت احکام اسلام بر کلیه قوانین و مقررات)، اصل ۵ (ولایت فقیه)، اصل ۱۲ (دین و مذهب رسمی) و اصل ۹۱ (شورای نگهبان)، همانطور که یکی از نمایندگان خبرگان درباره‌ی اصل چهار اظهار داشته «این مهم‌ترین اصلی است که نوشته و تصویب می‌شود و هدف آقایان مجتهدین و علما که اینجا جمع شده‌اند بیشتر همین اصل است که بر تمام اصول حکومت دارد»<sup>۳</sup>، این

۱. روح الله (امام) خمینی در «ملاعات»، ش ۱۵۹۳۲، ۱۳۵۸/۵/۲۸، ص ۱۲.

۲. روح الله (امام) خمینی در «سورت مشروح مذاکر است مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول - جلسه‌ی اول تا سی و یکم)»، ص ۵.

۳. جواد فاتحی در همان، ص ۳۵۱.

مهم‌ترین اصلی بود که بدون مخالفت جدی همراه با ۴۳ پیشنهاد، سؤال و تذکر با ۵۶ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع در جلسه‌ی چهاردهم خبرگان به تصویب رسید.<sup>۱</sup>

اصل ۵ نیز که مهم‌ترین اصل عملیاتی‌کننده‌ی اصل چهار است بدون اینکه در پیش‌نویس‌ذکری از آن به میان آمده باشد، به مجلس پیشنهاد شد، و با توجه به جمله‌ی نایب رئیس خبرگان دائر بر اینکه «با توجه به بحث‌های گسترده‌ای که در گروه‌ها و در جلسه‌ی مشترک گروه‌ها درباره‌ی اصل پنج شده نظر بر این است که بتوانیم این اصل را با اظهار نظر یک موافق و یک مخالف به رأی بگذاریم»<sup>۲</sup> تنها یک مخالف (مقدم مراغه‌ای) داشته و یک موافق (شهید بهشتی) در جواب او سخن گفته است. گفته‌های مقدم مراغه‌ای<sup>۳</sup> در مخالفت با اصل ولایت فقیه بیانی دیگر از نقطه نظرات حسن نزیه است (که بیشتر بدان اشاره شد) که شهید بهشتی با توصیف مکاتب سیاسی موجود در دنیا و تشریح نظام سیاسی اسلام و تکیه بر اینکه «... آقای مراغه‌ای آیا شما این جزوه‌ای را که اداره‌ی دبیرخانه در طول چندماه از چهار هزار نظریه و پیشنهاد مردم و آنچه که در روزنامه‌ها منتشر شده است، تهیه کرده است فرصت کرده‌اید مطالعه کنید؟ مطالعه بفرمائید ببینید وقتی این اصول مطرح شده است نظرات رسیده‌ای که اینجا دوستان استخراج کرده‌اند، عموماً تکیه بر این دارد که چرا این اصل را در قانون اساسی نگذاشته‌اند. خوب، مجلس خبرگان کارش این بود که نظرات را مطالعه کند و آن پیش‌نویس را

۱. مراجعه شود به: راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸)، ص ۶۰-۵۹.

۲. بهشتی در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد اول - جلسه اول تا سی و یک)، ص ۳۷۳.

۳. رحمت الله مقدم مراغه‌ای در همان، ص ۳۷۶-۳۷۳.

تکمیل کند و ما این کار را کرده ایم»<sup>۱</sup>، این اصل نیز با ۵۴ رأی موافق، ۸ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۶۵ رأی به تصویب رسیده است.<sup>۲</sup>

اصل ۱۲ نیز با ۵۲ رأی موافق، ۲ مخالف و ۳ ممتنع از کل ۵۷ رأی به تصویب رسیده است و در مذاکرات ۲ موافق و ۳ مخالف سخن گفته‌اند و ۸ نفر تذکر، توضیح، سؤال یا پیشنهاد ارائه کرده‌اند.<sup>۳</sup>

و اصل ۹۱ نیز با ۵۷ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۶ ممتنع از مجموع ۶۷ رأی و با سخن یک موافق و یک مخالف، به تصویب رسیده است.<sup>۴</sup>

مصوبات مهم بالا که حاکی از شکست کامل نیروهای غیر مذهبی بود آنان را واداشت تا در عرصه‌ی مطبوعات و مجامع علیه مهم‌ترین اصل قانون اساسی (اصل پنج) به مبارزه‌ی قلمی و لسانی بپردازد.

به عنوان مثال، از یک سو جبهه‌ی ملی از عملکرد مجلس خبرگان انتقاد کرد<sup>۵</sup>، از سوی دیگر ابوالحسن بنی صدر اظهار داشت: «در ولایت فقیه بهتر است حقوق خاصه تعیین نشود، و حانیت بین مردم تبلیغ کند، رأی بگیرد و در مجلس مثل بقیه ولایتش را اعمال کنند»<sup>۶</sup>.

یا عزت الله سبحانی اظهار داشت: «ما اصل ولایت فقیه را که یک اصل غیر قابل انکار مکتبی است در حد نظارت مکتبی توسط اسلام شناسان واقعی بر قوانین و مقررات قابل قبول است اما آن طرحی که نوعی حاکمیت و سرپرستی بلارقیب یعنی نوعی قدرت در مقابل قدرت حکومت است در شرایط امروز قابل قبول نمی‌تواند باشد...»<sup>۷</sup>.

۱. بهشتی در همان، ص ص ۲۸۲-۳۷۶.

۲. راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران، ص ۶۰ ۳. همان، ص ۶۸

۴. همان، ص ۱۶۶ ۵. اطلاعات، ش ۱۵۹۶۱، ۱۳۵۸/۳، ص ۲.

۶. اطلاعات، ش ۱۵۹۵۶، ۱۳۵۸/۶/۲۸، ص ۲ ۷. اطلاعات، ش ۱۵۹۵۶، ۱۳۵۸/۶/۲۸، ص ۲.



جالب توجه اینکه دو نفر فوق الذکر به ترتیب نامزد مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی، فدائیان اسلام، نهضت زنان مسلمان و نهضت آزادی، مجاهدین خلق<sup>۱</sup> بودند و قاعدتاً می‌بایست از نظر اکثریت حمایت کنند. اما تحولات بعدی سیاسی نشان داد که طیفی همانند دو نفر فوق الذکر با دیدگاه خاص خود با آنچه اکثریت از ولایت فقیه مد نظر دارد، ندارد و به نوعی با آن برخورد می‌کند که هم باشد و هم نباشد و از این نظر با نیروهای غیرمذهبی همداستان شدند.

به موازات کار خبرگان، گروه‌های مخالف فعالیت خود را در سطح جامعه ادامه دادند؛ طوری که پنج روز بعد از شروع کار خبرگان حاج مهدی عراقی پسرش، و حاج حسین مهدیان ترور شدند و دو نفر اول به شهادت رسیدند، همان روز (۱۳۵۸/۶/۴) رادیو - تلویزیون مهاباد توسط دموکرات‌ها اشغال شد<sup>۲</sup>، و پس از آن شبکه‌ی بزرگ چریکی در خرمشهر کشف شد<sup>۳</sup>، با توپ ۱۰۶ به دادگاه انقلابی سقز حمله شد و پنج نفر در این حادثه زخمی شدند،<sup>۴</sup> پیرانشهر از سکنه خالی شد، مهاجمان پادگان سردشت را به توپ بستند و در این حمله ۹ نفر شهید شدند، در جریان تظاهرات بوکان سه پاسدار شهید شدند، در قطار مسافری جنوب بمبی منفجر شد، مهاجمینی در جاده‌ی سرشت - مهاباد ۵۲ پاسدار را کشتند و ۱۵۰ نفر را به گروگان گرفتند، آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی در تبریز ترور شد و به شهادت رسید و حوادثی از این قبیل در گوشه و کنار کشور به وقوع پیوست. اما خبرگان کار خود را ادامه داد.

عمده‌ترین تلاشی که رقبای نیروی مذهبی جمع شده در دولت موقت صورت دادند، تدوین طرح انحلال مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ بود. دلیل

۱. اسماعیلی، همان، ص ۱۲۱.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۳۸، ۱۳۵۸/۶/۴، ص ۱.

۳. اطلاعات، ش ۱۵۹۴۰، ۱۳۵۸/۶/۶، ص ۳.

۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۴۳، ۱۳۵۸/۶/۱۸، ص ۳.



ظاهری تهیه کنندگان طرح، طولانی شدن زمان بررسی پیش نویس و تجاوز نمایندگان در بعضی موارد از حدود وکالت مردم بود.<sup>۱</sup> زیرا این پوشش ظاهری موجه رقبا، از راه ظاهراً قانونی و کم درد سر قصد داشتند با انحلال خبرگان نیروی مذهبی را از صحنه خارج کنند. و برای اینکه دفع اتهام مقدر بشود در طرح هم، انحلال خبرگان را مستند به «...چون وکیل حق ندارد مدت وکالت خود را یک طرفه تجدید نماید، تمدید مهلت قانونی از طرف آن مجلس وجهی شرعی و قانونی نداشته است»<sup>۲</sup> کرده بودند و هم برای پس از انحلال مجلس پیشنهاد کرده بودند:

«دولت ظرف یکماه از این تاریخ برای تصویب پیش نویس قانون اساسی که از طرف دولت، تنظیم و با تأیید مقام رهبری انقلاب به تصویب شورای انقلاب رسیده بود (با اصلاحاتی که مورد تصویب شورای انقلاب و تأیید مقام رهبری می باشد) به آرای عمومی مراجعه خواهد کرد».<sup>۳</sup>

شاهد مثال برای چنین قصدی آنکه پیش از تشکیل خبرگان، همین تهیه کنندگان طرح انحلال که خواهان مراجعه مستقیم به آرای عمومی بودند، شدیداً بر مخالفت با مراجعه مستقیم به آرای عمومی و لزوم تشکیل مجلس مؤسسان و نه حتی خبرگان اصرار می کردند، اما تقریباً بعد از گذشت بیش از یکماه از فعالیت خبرگان، طرفدار رفراندوم مستقیم شدند. نظر به هزینه های معنوی و مادی که چنین اقدامی می توانست بر کشور تحمیل نماید و به لحاظ وظیفه ای که حضرت امام (ره) در امانتداری حقوق ملت و پاسداری از اسلام احساس می کردند با این طرح مخالفت و مقابله ای جدی کردند:

«... آمدند آقایان پیش ما، همین آقایان، آقای بازرگان و رفقاییش و گفتند که ما

۱. جمهوری اسلامی، ش ۳۱۱، ۴/۱۹/۱۳۵۹.

۲. همان جا.

۳. همان جا.

خیال داریم این مجلس را منحلش کنیم. من گفتم شما چه کاره هستید که می‌خواهید این کار را بکنید. شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس را منحل کنید؟ پاشید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله کنار رفتند<sup>۱</sup>.

مجلس خبرگان با رأی اکثریت مشغول کار است حالا می‌بینیم که یک دسته‌ی چند نفری دور هم یا هزار نفر، چه کاره هستند که جمع می‌شوند و می‌گویند مجلس خبرگان باید منحل شود من نمی‌دانم این آقایان چه کاره هستند و چرا مجلس خبرگان باید منحل شود؟... شما باورتان بیاید اینطور نیست که خیال می‌کنید. اولاً مجلس منحل نمی‌شود و کسی حق انحلال ندارد و خود ملت حق دارند و ثانیاً اگر منحل بشود، یک وقت می‌گویید که ما قانون دیگر نمی‌خواهیم، شما حق چنین چیزی را ندارید. یک وقت می‌گویید که قانون می‌خواهیم و قانون را ملت باید تعیین کنند، مجلس مؤسسان باشد و ملت متدین علمایشان را تعیین کنند باز شما باید عزا بگیرید برای اینکه نه در این مجلس راه دارید و نه در مجلس مؤسسان و علتش هم این است که یک ملتی که فریاد زده است ما اسلام را می‌خواهیم و دنبال این است که اسلام را بدست بیاورد، صد دفعه هم که شما بر همش بزنید، با اینکه نمی‌توانید بهم بزنید، باز هم مردم همان اسلام را می‌خواهند... خیال نکنند که این ملت چیزی نمی‌فهمد، خیر ملت بهتر از ما می‌فهمد»<sup>۲</sup>.

دولت موقت که برای اولین بار با اینکه در قدرت سیاسی بود از موضع اوپوزیسیون ظاهر شده بود، با شکست در این مرحله به فکر استعفا افتاد. استعفای دولت موقت یک روز پس از تصرف سفارت امریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مورد قبول مقام رهبری انقلاب قرار گرفت. دولت موقت در حالی

۱. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر پنجم، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ص ۷۴ - ۷۳.

۲. جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۳، ص ص ۱ - ۲.

سقوط کرد که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا زمان کناره‌گیری چند بار ترمیم شده بود.<sup>۱</sup> هر بار ترمیم نیز به دلیل اختلاف نظر و رقابت اعضای دولت با یکدیگر بود. مثلاً استعفای اولین وزیر خارجهی جمهوری اسلامی، دکتر کریم سنجانی دبیرکل جبهه‌ی ملی، به دلیل اختلاف وی با معاون نخست وزیر (ابراهیم یزدی از نهضت آزادی) بود؛ یا استعفای دکتر کاظم سامی (رهبر جاما)، به دلیل اختلاف وی با سران نهضت آزادی در نحوه‌ی امور بود.<sup>۲</sup>

البته کناره‌گیری دولت موقت دلایل دیگری هم از قبیل ناکارآمدی، عدم تناسب با شرایط شدیداً بحالی تحول و انقلابی کشور و نیز متهم شدن به طرفداری از آمریکا داشتند که ظاهراً مورد اخیر از همه مهمتر بود، نقطه‌ی عطف چنین اتهامی در سیاست خارجی دولت موقت ظاهر شد که معتقد به همزیستی مسالمت‌آمیز با دنیای غرب و به نوعی پذیرش مجدد آمریکا در ایران بود. ملاقات نخست وزیر و وزیر خارجه دولت موقت با مشاور امنیت ملی دولت کارتر در الجزایر که توسط نیروی مذهبی و در رأس آنها حزب جمهوری اسلامی مورد انتقاد واقع گردید در همین راستا ارزیابی شد.

در استیضاح مطبوعاتی که حزب جمهوری اسلامی از دولت موقت به خاطر ملاقات سران آن دولت با برژینسکی به عمل آورد، بر نکته‌ی فوق‌الذکر شدیداً تأکید گردید.<sup>۳</sup>

شورای انقلاب که از ۱۲ آبان ۱۳۵۸ تا پایان نیمه‌ی اول ۱۳۵۹ نقش قوه‌ی مقننه، مجریه و قضائیه را بر عهده داشت، یکبار با ورود سه عضو جدید ترمیم شد<sup>۴</sup> اما فقط وزرای کشور و دادگستری آن در اوایل شروع کار تغییر کردند اما تا پایان کار شورای انقلاب در سمت خود باقی ماندند.

تهیه‌ی مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی و تلاش برای

۱. اطلاعات، ش ۱۵۹۶۴، ۱۳۵۸/۷/۷، ص ۲.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۹۸۹، ۱۳۵۸/۸/۷، ص ۱ و ۲ و ۱۲.

۳. سمعی، همان، ص ۲۴۰-۲۴۱. ۴. اطلاعات، ش ۱۵۹۹، ۱۳۵۸/۸/۱۶، ص ۲.

حل بحران گروگان‌گیری از اولین وظایف شورای انقلاب بود. با پایان یافتن کار مجلس خبرگان در اوایل آذرماه ۱۳۵۸ نیروهای غیرمذهبی ضمن متشنج ساختن فضای جامعه، آخرین گامی که برای به عقب نشینی وادار کردن نیروی مذهبی برداشتند تحریم همه پرسى بود. چنانکه آیت الله شریعتمداری خواهان اصلاح بخشی از قانون اساسی شد، که به دنبال آن در شهر تبریز تظاهراتی در حمایت از وی صورت گرفت و به درگیری و خشونت کشیده شد، و سازمان مجاهدین خلق همه پرسى را تحریم کرد. اما علیرغم همه‌ی این تلاش‌ها با حمایت امام خمینی (ره) دائر بر اینکه:

«اینجانب در روز اخذ آراء رأی مثبت می‌دهم و از تمام برادران عزیز خود از هر قشری و در هر مسلکی هستند تقاضا می‌کنم که به این قانون سرنوشت ساز رأی مثبت بدهند»<sup>۲</sup>، همه پرسى در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ علیرغم وقوع اغتشاشاتی در تبریز، کردستان، ایرانشهر و چابهار، انجام و متن مصوب مجلس خبرگان با ۱۵/۶۸۰/۳۲۹ رأی مثبت، ۷۸۵۱۶ رأی منفی و ۱۱۱ رأی باطله از مجموع ۱۵/۷۵۸/۹۵۶ رأی اخذ شده به تصویب ملت رسید. تصویب ملی منویات نیروی مذهبی مرحله‌ای دیگر از شکست سه نیروی غیرمذهبی را رقم زد.

**فرجام سخن اینکه** نظر به اکثریت داشتن نیروی مذهبی در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طبیعی این بود که سه نیروی سیاسی غیرمذهبی به رأی اکثریت تن در دهند. اما سه نیروی غیرمذهبی برخلاف شعارهای خود به جای فعالیت و پویایی در پرتو اکثریت، با خط مشی سیاسی اکثریت به مقابله‌ی مسلحانه پرداختند. گرچه مشی نیروی مذهبی مردمسالارانه و غیر خشن بود، به ناچار ناگزیر از مقابله گردید؛ ولی در عین حال توانست برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران منویات خود را در قالب حکومتی دینی تجسم بخشد.

۱. اطلاعات، ش ۱۶۰۱۶، ۱۳۵۸/۹/۱۲، ص ۱۲.

۲. اطلاعات، ش ۱۶۰۱۵، ۱۳۸۱/۹/۱۰، ص ۴.